

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/01/05

موضوع: کمیّت و کیفیت احادیث مهدویت در منابع شیعه و اهل سنت!

ویژه برنامه ربیع الأنام

فهرست مطالب این برنامه:

هرچه این روایت تکرار شود، باز هم طراوت دارد!

تألیف کتب مستقل مهدویت، قبل از تولد امام زمان (سلام الله علیه)!

حق بزرگی که «احمد بن حنبل» به گردن شیعه دارد!

مسئله مهدویت در اندیشه علما و بزرگان وهابیت!

کمیّت و کیفیت احادیث مهدویت در منابع شیعه و اهل سنت!

اگر کسی احادیث متواتر را انکار کند، چه حکمی دارد؟!

من شبهه‌ای در ناصبی بودن «مصطفی طباطبایی» ندارم!!

تماس بینندگان برنامه

آیا حدیث مشهور به «حدیث لوح» صحت دارد؟!

آیا قاعده «من ادعی الرؤیة فکذبوه» درست است؟!

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای جذبه ذی الحجه و شور رمضانم

در شادی شعبان تو غرق است جهانم

با نام تو تقویم پر از ماه ربیع است

با یاد تو لبریز بهار است خزانم

هر گل که شکفته است ز لبخند تو گفته است

لبخند تو لبخند توای ماه نهانم

روی تو و خورشید نه، روشن تر از آنی

چشم من و آیینه نه، حیران تر از آنم

تقدیر مرا نور نگاه تو رقم زد

باید که شب چشم تو را قدر بدانم

عید است و سعید است، اگر ماه تو باشی

ای جذبه ذی الحجه و شور رمضانم

السلام علیک یا ربیع الانام

بینندگان ارجمند و مخاطبان عزیز «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» سلام علیکم. امیدوارم هر جا که هستید در کمال سلامت و صحت باشید و زیر سایه روشن الطاف حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

خدا را هزار مرتبه شکر که در این ایام نورانی و در این شبها و روزهای روشن توفیق داریم حضور داشته باشیم، این لحظات روشن ماه شعبان را درک کنیم و در آستانه ولادت با سعادت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شما عزیزان تبریک عرض کنیم.

چقدر خوب است که این مجالس و برنامه‌ها و محافل کمک کند تا ان شاءالله قدمی به سمت معارف مهدوی برداریم. الحمدلله توفیق داریم در این شبکه نورانی در خدمت شما باشیم و چقدر نام «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» زیباست.

به امید انقلاب جهانی حضرت و به امید حکومت جهانی آن بزرگوار این برنامه را به محضر شما عزیزان تقدیم می‌کنیم.

در خدمت استاد ارجمند حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. ان شاءالله حسن آغاز این ویژه برنامه که با نام «ربیع الانام» مزین شده است را با حضور استاد رقم خواهیم زد.

ان شاءالله توفیق خواهیم داشت پنج شب در خدمت شما و در خدمت معارف مهدوی باشیم. استاد عزیز سلام علیکم، خیلی خوش آمدید، تبریک عرض می‌کنم. بفرمایید؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت حضرتعالی تبریک عرض می‌کنم. همچنین خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش برای همه شما گرامیان تقدیم می‌کنم.

ایام ولادت باسعادت حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ربیع الانام، بهار عالم هستی، بهار بشریت و بهار جهان را خدمت همه شما تبریک عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی مادرش حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم هرچه سریع‌تر فرجش را نزدیک بگرداند، مقدمات ظهور حضرت را فراهم نماید و این جهان پر از ظلم و ستم مملو از عدل و عدالت گردد و این پاییز خزان و زمستان دردآور و غم انگیز به بهار باطراوت و مسرت تبدیل شود.

هرچه این روایت تکرار شود، باز هم طراوت دارد!

رسم همیشگی ما این است که قبل از آغاز سخن یادی از حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌کنیم تا خودمان، شبکه، بینندگان عزیزمان، دست اندرکاران، دنیا و آخرت‌مان را بیمه حضرت فاطمه زهرا کرده باشیم.

روایت زیبایی نقل شده است که هرچه این روایت تکرار شود، باز هم طراوت دارد. حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌فرماید:

«و نحن وسیلته فی خلقه و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجتہ فی غیبه»

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج 16، ص 211، الفصل الأول فیما ورد من الأخبار و السیر المنقولة من أفواه أهل الحديث و كتبهم لا من كتب الشيعة و رجالهم

حضرت فاطمه زهرا می‌فرمایند: ما اهل بیت واسطه بین شما و خدا هستیم و ارتباط شما با خداوند و ارتباط خدای عالم با شما توسط ما صورت می‌گیرد. خدای عالم در سوره مبارکه مائده آیه 35 می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید.

سوره مائده (5): آیه 35

روایات متعددی از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در ذیل همین آیه آمده است که فرمودند: ما وسیله بین شما و خداوند عالم هستیم. حضرت فاطمه زهرا در ادامه می‌فرمایند:

«و نحن خاصته»

ما برگزیدگان خدا هستیم و اگر تمام انبیاء و اولیاء به جایی رسیده‌اند و رابطه‌ای بین خود و خدا برقرار کرده‌اند، آن واسطه ما بودیم.

«و محل قدسه»

ما جایگاه پاکی‌ها و پاکیزگی‌ها هستیم. آیه تطهیر در شأن ما نازل شده است که هرگونه پلیدی و گناه و معصیت و سهو و خطا را از دودمان ما دور کرده است.

«و نحن حجه فی غیبه»

ما دلیل‌های روشن و حجت‌های الهی هستیم.

«و نحن ورثة أنبیائه»

ما وارثان انبیاء الهی هستیم. خداوند عالم هرچه پیامبران از حضرت آدم تا نبی مکرم اسلام فرستاده است، به برکت وجود ما ارزانی داشته و تفضل کرده است.

باشد که ایام میلاد حضرت ولی عصر (اروحنا لتراب مقدمه الفداء) توجهمان به ساحت مقدس حضرت ولی عصر که واسطه فیض است و تمام فیوضات به عالم هستی توسط این بزرگوار می‌رسد، بیشتر شود و رابطه خود را با حضرت قوی‌تر کنیم.

ان شاءالله کاری کنیم تا سال آینده ایام نیمه شعبان همواره به یاد او باشیم و او را شاهد و ناظر اعمال خود بدانیم.

مجری:

ان شاءالله، خیلی زیبا فرمودید، خیلی ممنونم. شما بلد هستید چطور دل حضرت را به دست بیاورید، وقتی که چقدر زیبا و چقدر خوب از مادر والامقامشان نام می‌برید و یاد می‌کنید.

الحمدلله در فضایی هستیم که به نام حضرت متبرک است. عزیزان ما هر جای عالم که باشند منازلشان به تصاویری که مربوط به حضرت ولی عصر هست متبرک شده است و ان شاءالله قدر این لحظات را بدانیم.

حاج آقا حسینی قزوینی عزیز شما اهل تحقیق، تتبع و پژوهش هستید، هم در آثار اهل تسنن و هم در آثار شیعیان. راجع به حضور مبارک حضرت صاحب الزمان آثار فراوانی خلق و منتشر شده و در دست اهل تتبع هست و برخی هم نیست.

در ایامی که تاریخ اسلام پشت سر گذاشته است، کتابخانه‌هایی سوخته شده و به بسیاری از آثار را شاید تنها در حد عنوان دسترسی داشته باشیم.

آیا راجع به وجود حضرت بقية الله الأعظم و حتی پیش از ولادت آن بزرگوار آثاری منتشر شده است؟! اگر آثاری منتشر شده آنها را برای ما معرفی کنید.

ان شاءالله این معرفی آثار مقدمه‌ای باشد تا بسم الله بگوییم و تصمیم بگیریم از این نیمه شعبانی که پیش رو داریم تا سال آینده به اندازه چند کتاب به حضرت نزدیک‌تر شده باشیم.

ان شاء الله این آثار را مطالعه کنیم و این مطالعه هم مقدمه عمل باشد تا بتوانیم بهتر و بیشتر در خدمت معارف مهدوی باشیم. راجع به آثاری که راجع به وجود حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتشر شده است، بفرمایید.

تألیف کتب مستقل مهدویت، قبل از تولد امام زمان (سلام الله علیه)!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله يا اباصالح المهدي ادرکنا

ما در میان معارف اسلامی کمتر موضوعی داریم که به اندازه مهدویت مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد.

نه تنها در حوزه اسلام بلکه قبل از اسلام هم موضوع مهدویت در کتب آسمانی و حتی در میان اقوام و مللی که خیلی زیاد با کتب آسمانی ارتباطی نداشتند و اعتقاد توحیدی هم نداشتند، موضوعی به عنوان «منجی»، موجود است.

«منجی»، کسی است که قبل از قیامت خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. در رابطه با حوزه اسلامی، ما می‌بینیم تألیفاتی قبل از ولادت حضرت ولی عصر در میان شیعه و سنی صورت گرفته است و این خیلی جالب است.

قبل از اینکه حضرت ولی عصر در سال 255 هجری قدم به عالم هستی بگذارند، می‌بینیم تعدادی از بزرگان شیعه و اهل سنت کتاب‌هایی در مورد غیبت حضرت ولی عصر، زمان ظهور حضرت، کیفیت ظهور و قیام حضرت، چگونگی و مدت حکومت جهانی آن بزرگوار کتاب نوشته‌اند.

به عنوان مثال در میان علمای شیعه «ابن ابی عمیر» متوفای 217 هجری در مورد حضرت ولی عصر مطالبی دارد.

همانطور که حضرتعالی هم اشاره فرمودید و در بحث‌های رجالی ما تشریف داشتید، می‌دانید که ایشان یکی از اصحاب الاجماع و از مشایخ الثقات است. ما در بین علمای شیعه کمتر کسی را داریم که جایگاهی همانند جایگاه «ابن عمیر» داشته باشد.

«ابن ابی عمیر» که زمان امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) را درک کرده است، کتاب مستقلی به نام «الغیبة» نوشته است.

«حسن بن محبوب» نیز که یکی از اصحاب اجماع و متوفای 224 هجری است، کتاب و احادیثی در مورد بحث غیبت دارد. «ابراهیم بن صالح انماطی» هم که یکی از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) هست، کتابی به نام «غیبة» دارد.

«صفان بن یحیی» که از مشایخ الثقات و اصحاب اجماع است، در این زمینه کتاب نوشته است. «حسن بن علی بن فضال» بزرگ خاندان فتحی‌ها کتابی در این زمینه دارد.

«محمد بن اسماعیل بن بزیع» که از روایت قابل اعتبار شیعه است، در این زمینه کتاب دارد. بزرگان دیگری هم از این قبیل بودند که در خصوص حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) کتاب دارند.

از میان علمای اهل سنت آقای «ابوسعید عباد بن یعقوب رواجنی عصفری اسدی کوفی» که متوفای 250 هجری هست و پنج سال قبل از غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دنیا رفته است، کتابی به نام «أخبار المهدي» دارد.

حق بزرگی که «احمد بن حنبل» به گردن شیعه دارد!

از همه مهم‌تر «احمد بن حنبل» متوفای 241 هجری است و حدود 24 سال قبل از میلاد حضرت ولی عصر از دنیا رفته است. ایشان در کتاب «مسند» خود حدود سی هزار روایت دارد و کتاب ایشان بزرگترین کتاب روایی اهل سنت است.

شاید بتوان گفت حدود هشتاد درصد روایات مهدویت را آقای «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» آورده است. واقعاً جالب است و بنده احساس می‌کنم ایشان حق بزرگی به گردن شیعه دارد. حال بنده کاری به اهل سنت ندارم.

بسیاری از روایاتی که «بخاری» و «مسلم» به علل متخلف نظیر ترس از حکومت در کتب «صحیحین» نیاوردند، «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» خود آورده است.

این علما معاصر یکدیگر بودند. «بخاری» متوفای 256 هجری است و یک سال بعد از ولادت حضرت مهدی از دنیا رفته است. «مسلم» متوفای 261 هجری است و یک سال بعد از غیبت صغری از دنیا رفته است.

متأسفانه این دو نفر علی‌رغم اینکه با امام حسن عسکری و امام هادی (علیهم السلام) هم عصر بودند، اما هیچ‌گونه اشاره یا کنایه یا روایتی از آن بزرگواران نیاوردند.

همچنین از امام صادق (علیه السلام) که استاد مشایخ بزرگ اهل سنت از جمله «ابوحنیفه»، «مالک» و دیگران بودند، حتی یک روایت به عنوان نمونه در کتب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» دیده نمی‌شود.

در مقابل «احمد بن حنبل» در آن خفقان روایاتی از قول ائمه اطهار نقل کرده‌اند. بعد از دودمان بنی امیه، بنی العباس روی کار آمدند و تمام تلاششان را به کار بردند تا نور اهل بیت (علیهم السلام) را خاموش کنند.

بنی امیه و بنی عباس سعی کردند احادیث مربوط به فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را ممنوع کنند و ناقلین احادیث اهل بیت را به شدیدترین وضع شکنجه کنند.

آقای «نسائی» صاحب کتاب «سنن» یکی از صحاح سته و یکی اعظم علمای اهل سنت است. ایشان در دمشق بالای منبر می‌رود و فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را نقل می‌کند.

مردم به او حمله می‌کنند، ایشان را از منبر پایین می‌آورند و به قدری مشت و لگد می‌زنند که قسمت حساس بدنش ترک برداشته و دل درد می‌گیرد. «نسائی» درخواست می‌کند که مرا به طرف مکه ببرید، اما در بین راه از دنیا می‌رود. «نسائی» متوفای 303 هجری است.

همچنین آقای «طبری» متوفای 310 هجری هستند و در نیشابور از دنیا رفتند. مخالفین به خاطر اینکه ایشان فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را نقل کرده بود، او را حبس خانگی کردند.

مخالفین از او می‌خواستند که از معاویه هم فضائلی نقل کند. او می‌گفت: وقتی فضائلی نباشد، از خودم چه بگویم. معاویه باید فضائلی داشته باشد که من بگویم.

لازم به ذکر است آقای «طبری» جزو نوادر علمای اهل سنت است. بنده روی افرادی دست گذاشتم که جزو نوادر و برجستگان علمای اهل سنت هستند.

در این زمینه علمای اهل سنت را به بدترین وضع ممکن شکنجه می‌کردند، اذیت می‌کردند، شلاق می‌زدند. این مسائل در رابطه با اهل سنت است و بحث شیعه جداست.

شیعیان به قدری در آن زمان در فشار بودند، به طوری که حتی فرزندان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جرئت نمی‌کردند به بچه‌هایشان بگویند ما فرزند حضرت فاطمه زهرا هستیم.

«یحیی بن زید» که در مازندان دفن است، در آخر عمر به یکی از دوستانش وصیت می‌کند و در بعد از آن به شدت گریه می‌کند.

دوستش از او پرسید: آیا از مرگ می‌ترسی که اینگونه گریه می‌کنی؟! «یحیی بن زید» گفت: خیر؛ گریه من به خاطر این است که شش فرزند دارم، اما هیچ کدام ندانستند که فرزندان حضرت فاطمه زهرا هستند!! مشاهده کنید شیعه در چه وضعیتی به سر می‌برند. وقتی با علمای اهل سنت اینطور برخورد کنند، تصور کنید با شیعیان چکار خواهند کرد.

با این وجود در آن وضعیت آشفته «احمد بن حنبل» همه مشکلات را به جان می‌خرد و فضائل اهل بیت را بسیار زیبا و عالی نقل می‌کند.

قطعاً از کرم امیر المؤمنین (سلام الله علیه) خیلی دور است کسانی که برای حضرت قلم بزنند و قدمی بردارند و سخنی بگویند، اما حضرت، این اقدامات آنها را جبران نکند.

مجری:

«وَعَادَتُكُمُ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمُ الْكِرَمُ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص

616، ح 3213

بسیار خوب، خیلی ممنونم. این جنبه عالمانه حرف زدن و با تحقیق و پژوهش صحبت کردن از سوی شما بسیار قابل ستایش است. بنده توفیق داشتم که چند سالی در بحث رجال شاگرد شما باشم.

اهل انصاف بودن را چقدر در این برنامه می‌فهمم و این چقدر خوب است. حضرتعالی نقل می‌کنید علمای اهل سنت در شرایطی بودند که اگر می‌خواستند بیان کنند چه بلاهایی سرشان می‌آمد.

ان شاء الله که ما هم توفیق داشته باشیم قدم برداریم و سختی‌ها را به جان بخریم. الحمد لله در فضایی از اهل بیت (علیهم السلام) سخن می‌گوییم که کمترین مشکلات را برایشان دارد و ما را به این کار تشویق می‌کنند

قدر بشناسیم و یادی کنیم از همه کسانی که مجاهدت کردند، در این راه شهید شدند و در این فضا بودند تا ما به راحتی از فضائل اهل بیت بگوییم.

ان شاء الله خداوند روح همه خادمان فرهنگ اهل بیت را شاد بفرماید و ان شاء الله دعاگوی ما در جوار اهل بیت (علیهم السلام) باشند.

استاد! حضرتعالی در رابطه با اهل تسنن سخنانی گفتنید. حال در مورد وهابیت و بزرگان وهابی هم بفرمایید که چه موضعی در این موضوع گرفته‌اند؟!

مسئله مهدویت در اندیشه علما و بزرگان وهابیت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال خوب و زیبایی است. عرض کردم مسئله مهدویت مسئله فرادینی است، نه فرامذهبی. تأسیس و اساس وهابیت با هدف نابودی تشیع بوده است.

اگر کتاب «منهاج السنة النبویة» یا «منهاج البدعة الأمویة» اثر «ابن تیمیه» را ببینید، ملاحظه می‌کنید که ایشان وقیح‌ترین اهانت‌ها را به ساحت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارد.

بر فرض علی بن ابی طالب خلیفه چهارم نیست، صحابه پیغمبر اکرم داماد پیغمبر اکرم نیست، پدر امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نیست و تنها یک مسلمان است. آیا زبیده است که «ابن تیمیه» این چنین تعبیر وقیح در رابطه با امیرالمؤمنین داشته باشد؟

با تمام این احوالات «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة» جلد 8 راجع به مهدویت سخن می‌گوید. ایشان راجع به مهدویت می‌گوید:

«أن الأحادیث آلتی یحتج بها علی خروج المهدی أحادیث صحیحة»

روایاتی که از آنها بر قیام حضرت مهدی استدلال می‌شود همه صحیح هستند.

به گفته ایشان کسی نمی‌تواند این روایات را انکار کند و به قدری واضح و روشن است که می‌گوید:

«رواها أبو داود والترمذی وأحمد وغيرهم من حدیث ابن مسعود وغيره»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرائی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج 8، ص 254، فصل وأما الحدیث الذی

رواه عن ابن عمر عن النبی

«آقای عبدالعزیز بن باز» کتابی به نام «مجموع فتاوی و مقالات متنوعه» دارد. گفتنی است «بن باز» مفتی سابق عربستان سعودی بود و بعد از آنکه در سال 1420 از دنیا رفت، «آل شیخ» جای او را گرفت. آقای «عبدالعزیز بن باز» در این کتاب، جلد چهار صفحه 98 می‌گوید:

«فأمر المهدي أمر معلوم والأحاديث فيه مستفیضة بل متواترة متعاضدة»

مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، ناشر: موقع بن باز، جمع و ترکیب: دکتر محمد سعد الشویعر، ج 4، باب عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر، ص 98

به گفته ایشان احادیث مهدویت مستفیض بلکه متواتر است. خیلی جالب است که «ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد اول صفحه 109 می‌گوید:

«وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَّتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

هرکسی روایات متواتر را انکار کند، کافر است.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي ج 1، ص 109

ایشان مفصل در این زمینه صحبت می‌کند. ایشان همچنین در کتاب «فتاوی نور علی الدرب» مفصل در رابطه با موضوع مهدویت بحث می‌کند.

در عربستان سعودی مرکزی به نام «رابطة العالم الاسلامی» وجود دارد که بزرگترین مرکز فرهنگی مهدویت است و بودجه‌اش هم بودجه اُپن است. یعنی این مرکز هرچقدر خرج کند، برای عربستان سعودی محدودیت ندارد. بنده مشاهده کردم در یکی از سایت‌ها نوشته بود سی و سه درصد از درآمد نفت عربستان در اختیار مرکز «رابطة العالم الاسلامی» است تا برای فرهنگ و هابیت خرج کنند!!

بنده توفیق داشتم یک سال به مکه مکرمه مشرف شدم. در این سفر یک روز از ساعت 7 صبح تا غروب مشغول بازدید از تمام قسمت‌های مرکز «رابطة العالم الاسلامی» بودم.

بنده با خود می‌گفتم: ای کاش رئیس دفتر تبلیغات و رئیس سازمان تبلیغات ما به آنجا می‌رفتند و چند ماه دوره می‌دیدند تا نحوه تبلیغ فرهنگی را از آن‌ها یاد بگیرند.

شما در کره زمین کشور اسلامی سراغ ندارید که مرکز «رابطة العالم الاسلامی» در آنجا شعبه نداشته باشد. این مرکز در سازمان ملل عضو مراقب دارد و همچنین در سازمان یونیسف و یونسکو عضو رسمی دارد.

من بارها گفته‌ام اگر رئیس سازمان تبلیغات ما بخواهد یک بار به مجلس شورای اسلامی برود، باید ده نفر را ببیند و هماهنگی کند تا بالاخره نماینده‌ای را دیدار کند.

در مقابل عربستان سعودی در سازمان ملل و سازمان‌های فرهنگی مثل یونیسف و یونسکو عضو کاملاً رسمی و مراقب دارند. این افراد به اینجا رسیده‌اند و تمام تلاششان این است که جوان‌های شیعه را به سمت وهابیت بکشانند.

ماجرای داعش و گروهک‌های تروریستی ساخته و پرداخته همین افراد است. به طور کلی مسئولیت فرهنگی وهابیت به عهده مرکز «رابطة العالم الاسلامی» است. این مرکز در 1976 میلادی بیانیه‌ای صادر کردند که در آن آمده است:

«فإنَّ الإعتقاد بظهور المهدي يعتبر واجبا على كل مسلم»

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی بر هر مسلمان است.

«و هو جزء من عقائد أهل السنة و الجماعة و لا ينكر ذلك إلا كل جاهل أو مبتدع»

این عقیده جزئی از عقائد اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بدعت گذار کسی نمی‌تواند آن را انکار کند.

بنده مطلب در این زمینه بسیار زیاد دارم، اما اگر به سؤالات دیگر هم بپردازیم به همین مقدار اکتفا می‌کنم.

بنابراین وهابیت این مسائل را در مورد بحث مهدویت مطرح می‌کنند

جای تأسف است که این افراد اصل مهدویت را قبول دارند و روایات آن را هم متواتر می‌دانند، اما در خصوص

اینکه مصداق مهدوی چه کسی است به انحراف کشیده شده‌اند. در اثر تبلیغات مسموم بنی امیه و بنی عباس

اذهان عموم مردم از مصداق مهدویت منحرف شده است.

بنده بارها گفته‌ام ما بیش از سیصد روایت در کتب شیعه و سنی با بررسی سندی پیدا کردیم که نام ائمه اطهار از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت مهدی در کتاب‌های شیعه و سنی اجمالاً یا تفصیلاً یا کنایتاً آمده است. این قضیه‌ای نیست که ما بگوییم در حد چند روایت است.

نکته دیگری که ان شاءالله در شب نیمه شعبان که در خدمت دوستان هستیم به حول و قوه الهی به آن اشاره خواهم کرد، این است که این مهدویت‌ی که اهل سنت و وهابیت دارند در حقیقت یک معمای لاینحل است. مهدویت نیست بلکه مبهم است.

وهابیت و اهل سنت معتقدند یک نفر قبل از قیامت قیام خواهد کرد، از پدر و مادری که نمی‌شناسیم. او خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

حال اینکه این شخص چه نشانه‌ای دارد، چطور می‌خواهند قبول کنند، آیا آمده و رفته است یا در آینده می‌خواهد بیاید در حقیقت به صورت یک مسئله مبهم و معما درآمده است.

در بحث‌هایی که با این افراد داشتیم، سولاتی در رابطه با مهدویت از آنها پرسیدیم. به عنوان مثال چند سال قبل شخصی به نام «جهیمان» در مکه ظهور کرد و ادعا کرد که من مهدی موعود هستم. او یکسری نشانه‌هایی داشت و مدتی هم مکه را تصرف کرد.

ارتش عربستان سعودی در مکه ریختند و کشت و کشتاری به راه افتاد. فتوایی که بنده از «بن باز» عرض کردم، بعد از قضیه ادعای مهدویت توسط «جهیمان» صادر شد.

ان شاءالله امیدواریم در این پنج شب که بزرگان ما در بحث مهدویت مطالبی را مطرح می‌کنند، هم تقویتی برای عقاید جوانان شیعه باشد و هم نقطه آغازی باشد برای تحقیق و پژوهش از سوی جوانان عزیز اهل سنت باشد.

امیدواریم جوانان اهل سنت متوجه شوند تاریخ واقعی اسلام و مسائل حقیقی پشت سر قضیه مهدویت چه بوده که به این شکل در آمده و از مهدویت شخصی به مهدویت نوعی رسیده‌اند. شاید این قضیه خود نقطه آغازی برای تحقیق و پژوهش باشد.

بنده هرشب که دعا می‌کنم، جوانان اهل سنت را مخصوصاً دعا می‌کنم که خدای عالم مقدمات تحقیق و پژوهش به این‌ها را عنایت بفرماید.

ما چیزی برای خودمان نمی‌خواهیم. ما در اینجا نه کارخانه شیعه سازی درست کردیم و نه کارخانه سنی سازی!

(فَاتِمَا عَلَیْكَ الْبَلَاغُ)

بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است.

سوره آل عمران (3): آیه 20

چیزی که ما می‌خواهیم این است که حجت را بر همگان تمام کنیم تا فردای قیامت یک جوان شیعه یا یک جوان سنی نگوید من اطلاعی نداشتم.

ما نسبت به عقاید شیعه آنچنان مبرهن و مستدل به آیات و روایات از کتب شیعه و سنی استناد می‌کنیم که کوچکترین غبار و ابهامی برای دوستان نباشد.

بنده یادم نمی‌رود در سال 1387 که برای درمان به هانوفر آلمان خدمت جناب «پروفسور سمیعی» رفتیم، توفیقی داشتیم در بعضی از شهرها با بعضی از بزرگان دیدار داشته باشیم.

ما در یکی از شهرها با تعدادی از پزشکان که فوق تخصص داشتید و مدتی است در آنجا مشغول هستند، جلسه‌ای داشتیم.

یکی از این پزشکان گفت: ما شیعه بودیم، اما شیعه شناسنامه‌ای بودیم. به برکت بحث‌هایی که شما داشتید احساس می‌کنیم شیعه واقعی شدیم و الآن به شیعه بودنمان افتخار می‌کنیم.

ما قبلاً تصور می‌کردیم به دلیل اینکه پدر مادرمان شیعه بودند، ما هم شیعه هستیم و از این بابت خوشحال بودیم. در مقابل الآن کاری به شیعه بودن پدر و مادرمان نداریم.

اگر الآن کسی از ما سؤال کند که چرا شیعه هستی، ما می‌توانیم ده‌ها دلیل از قرآن و کتب اهل سنت بر حقانیت مذهب اهل بیت (علیهم السلام) اقامه کنیم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنون. ان شاء الله خداوند بر توفیقات شما بیافزاید و همچنین به ما توفیق بدهد تا بتوانیم آگاهانه دین را در زندگی‌مان جاری کنیم.

بنده هم خطاب به برادران جوان اهل سنت عرض می‌کنم که تحقیق و پژوهش بیشتری بر این مسئله داشته باشیم تا خدای ناکرده اهل جهل و بدعت نباشیم. همچنین اگر امام زمانمان را نشناختیم، به مرگ جاهلیت نمرده باشیم.

ان شاء الله که توفیق داشته باشیم از کلمات روشن قرآن کریم، اهل بیت و بزرگان و علمای فرهیخته استفاده کنیم و بهره بگیریم. فاصله‌ای می‌گیریم و با ویژه برنامه «ربیع الانام» در خدمت شما هستیم.

باز هم ایام شعبانیه را خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم هر جای عالم که هستید زیر سایه اهل بیت (علیهم السلام) باشید. ان شاء الله بتوانیم از نام اهل بیت به مرام اهل بیت برسیم.

شام ولادت حضرت علی اکبر است و اجازه بدهید دو بیت به آن بزرگوار تقدیم کنم. شب جمعه است و دل‌های ما پایین پای حضرت سید الشهداء است.

از میان تمام اهل جهان

عرش پایین پا نصیب تو شد

عشق می‌داند و ادب که چقدر

شوق پابوسی پدر داری

شوق پابوسی تو را داریم

حسرت آن ضریح شش گوشه

گوشه چشمی عنایتی لطفی

تو که از حال ما خبر داری

ان شاءالله به امضای حضرت علی اکبر به زودی زیارت با معرفت کربلای معلی نصیب همه ما شود.

در خدمت شما و کارشناس ارجمند برنامه هستیم. واقعاً برای بنده جای شکر و تشکر دارد، زیرا هم روی آنتن از مباحث استاد دکتر حسینی قزوینی استفاده می‌کنم و هم در بین فاصله‌ها سؤال می‌پرسم و نکات خوبی می‌فرمایند. خداوند حفظشان کند.

با ادامه بحث در خدمتشان هستیم. استاد راجع به کمیّت و کیفیت احادیثی که در زمینه مهدویت وارد شده است و جایی هم اشاره کردید که شاید در حد تواتر هم باشد صحبت کنید.

کمیّت و کیفیت احادیث مهدویت در منابع شیعه و اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده از حضرتعالی و اظهار لطفتان تشکر می‌کنم، مخصوصاً که نامی از حضرت علی اکبر هم بردید. بنده بارها گفتم در کربلا هفتاد و دو تن از عزیزان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به درجه رفیع شهادت رسیدند، اما تنها کسی که در زیارت عاشورا اسم مبارکشان آمده حضرت علی اکبر است.

«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِي بْنِ الْحُسَيْنِ»

تمام علمای شیعه اتفاق نظر دارند که مراد، حضرت علی اکبر است، زیرا زیارت عاشورا مربوط به شهدای کربلاست. واقعاً ادب حضرت علی اکبر نسبت به سیدالشهداء و دیگر افراد ستودنی است. اگر فرصتی می‌شد باید راجع به حضرت علی اکبر ویژه برنامه چهار ساعته می‌داشتیم.

مشاهده کنید در مسیری که به سمت کربلا می‌رفتند، امام حسین (علیه السلام) یک لحظه خوابشان می‌برد و سپس می‌فرمایند: (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). در میان تمامی اصحاب امام حسین، حضرت علی اکبر می‌آیند و می‌فرمایند:

«مِمَّ حَمَدَتَ اللَّهُ وَ اسْتَرْجَعْتَ»

حضرت فرمود: خواب دیدم که این قافله می‌رود و مرگ هم به استقبال آنها می‌آید. حضرت علی اکبر عرضه داشتند:

«أَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ»

آیا ما بر حق نیستیم؟

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ما بر حق هستیم. حضرت علی اکبر در جواب فرمودند:

«إِذَا مَا نُبَالِي أَنْ نَمُوتَ مُحِقِّينَ»

وقتی ما بر حق هستیم از مرگ باکی نداریم.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 44،

ص 379، ح 2

واقعاً این بزرگوار جایگاه والایی دارد، اما متأسفانه در میان ما مظلوم است و فقط یک مصیبتی از این بزرگوار در ایام محرم خوانده می‌شود و از حضرت نام می‌بریم و از فضائل و مناقب و جایگاه علمی آن بزرگوار خیلی کم در میان ما بحث می‌شود.

ان شاءالله اگر خداوند توفیقی داد و مناسبتی پیش آمد، بنده خیلی دوست دارم در مورد حضرت علی اکبر بحث‌هایی داشته باشیم.

مجری:

چقدر خوب، ان شاءالله توفیق داشته باشیم در برنامه‌های پیش رو از آن بزرگوار استفاده کنیم و راجع به بعضی شخصیت‌ها که شما هم فرمودید مظلوم هستند بیشتر بحث و استفاده کنیم.

فراوان فراوان حرف وجود دارد، اما ناگفته است. ان شاءالله این حرف‌ها گفته شود و استفاده کنیم. می‌خواهیم ببینیم راجع به سیر بحث و احادیثی که نقل شده است، آیا به حد تواتر می‌رسد یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛ ما در کتب شیعه سید روایت متواتر داریم. حدیث غدیر را بیشتر از صد و ده نفر نقل نکرده‌اند، اما حدیث ائمه اثنی عشر یا خلفای اثنی عشر یا احادیثی مانند:

«فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ أَوْصِيَاءِي مِنْهُمْ أَوْلُهُمْ أَحْيَى وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَ لِي كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ

بَعْدِي هُوَ أَوْلُهُمْ»

حضرت فرمود: خیر، اوصیایی از آنها که اولین نفر برادر من و وزیر من و وارث من و خلیفه من در امتم و ولی همه مؤمنین بعد از من است.

«ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاجِدٌ بَعْدَ وَاجِدٍ»

سپس فرزندم حسن و سپس فرزندم حسین و سپس نه تن از فرزندان حسین یکی پس از دیگری هستند.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 279، ح 25

:9

«عَلِيٌّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَليُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 274 - 278، ح 25

با تعبیر مختلف آمده است. ما در این زمینه بیش از سیصد روایت داریم. یکی از توفیقاتی که در «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» داشتیم، این بود که چندین سال است دانشنامه علوی را شروع کردیم.

بنده احساس می‌کنم در رابطه با اسامی ائمه اطهار نود و نه درصد کتاب‌های شیعه و سنی را زیر و رو کردیم، به طوری که اگر کسی در آینده بخواهد مطلبی اضافه کند جایی نداشته باشد.

ان شاء الله خدا توفیق بدهد و دوستان و بینندگان عزیز ما هم دعا کنند تا حاصل تلاش چندین سال خود را بتوانیم چاپ کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم.

مجری:

بنده سؤای داخل پرانتز بپرسم که مربوط به علم درایه هم می‌شود. حد تواتر چقدر است!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همان طور که حضرتعالی اشاره داشتید، در کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» که الان کتاب درسی هست، بنده اقوال مختلف را آورده‌ام. اما آن چه که راجع به تواتر قطعی است راویان به قدری زیاد باشند که برای انسان قطع و یقین بیاید این روایت از امام صادر شده است.

یعنی اگر اسم کلمه "تواتر" را برداریم و به جای آن "قطع و یقین" بگذاریم، خیلی بهتر است. خبر واحد حجت است، اما از باب ظن خاص و اطمینان عقلایی حجت است. خبر مستفیض حجت است، اما از باب اطمینان عقلایی است.

در مقابل، متواتر به این معناست که جای شک و شبهه نمی‌ماند و انسان یقین پیدا می‌کند که معصوم این عبارت را بیان کرده است.

در کتاب «الأنوار الیهیه» اثر «محمد بن احمد سفارینی» یکی از علمای حنبلی در جلد دوم وقتی به مسئله مهدویت می‌رسد، می‌گوید:

«بَلَعْتُ حَدَّ التَّوَاتُرِ الْمَعْنَوِيِّ وَشَاعَ ذَلِكَ بَيْنَ عُلَمَاءِ الشُّنَّةِ حَتَّى عُدَّ مِنْ مُعْتَقَدَاتِهِمْ»

لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضیة فی عقد الفرقة المرضیة، المؤلف: شمس الدین، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفارینی الحنبلی (المتوفی: 1188 هـ)، الناشر: مؤسسة الخافقین ومکتبتهـا - دمشق، الطبعة: الثانية - 1402 هـ - 1982 م، ج 2، ص 84، الخامسة فی مؤلّد المهدی وَبِيعْتِهِ وَمُدَّةِ مُلْكِهِ وَمُتَعَلِّقَاتِ ذَلِكَ

طبق این بیان، بحث مهدویت در حد تواتر معنوی است. به عنوان مثال تواتر لفظی این است که عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» در دوپست یا سیصد روایت آمده است.

تواتر معنوی این است که الفاظ با هم تفاوت دارد، اما معنای آنها مشترک است و یک معنا دارد. ایشان می گوید روایاتی که در رابطه با مهدویت داریم به این شکل است.

همچنین آقای «مزی» متوفای 742 هجری که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است و معاصر «ابن تیمیه»، «ابن حجر» و «ذهبی» بوده است، در کتاب «تهذیب الکمال» جلد 25 صفحه 149 از قول «ابو الحسن آبری» متوفای 363 هجری می‌گوید:

«قد تواترت الاخبار استفاضت بكثره رواتها عن المصطفى، یعنی فی المهدی»

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 25، ص 149، ح 5181 -

همچنین «ابن قیم جوزیه» همین تعبیر را دارد. آقای «شوکانی» کتابی به نام «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» دارد که در آن بحث مهدویت را می‌آورد و می‌گوید:

«وهی متواترة بلا شك ولا شبهة»

بدون شك و شبهه موضوع مهدویت بحث متواتر است.

آقای «کتانی» همچنین از «سخاوی» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«وقد نقل غیر واحد عن الحافظ السخاوی أنها متواترة»

ایشان همچنین از قول «حسینی عراقی» نقل می‌کند:

«وفى تأليف لأبى العلاء إدريس بن محمد بن إدريس الحسين العراقى فى المهدي هذا أن أحاديثه

متواترة»

همچنين مى‌نويسد:

«نقلا عن أبى الحسين الإبرى فى مناقب الشافعى قال تواترت الأخبار أن المهدي من هذه الأمة»

نظم المتناثر من الحديث المتواتر، اسم المؤلف: محمد بن جعفر الكتانى أبو عبد الله، دار النشر: دار الكتب

السلفية - مصر، تحقيق: شرف حجازى، ج 1، ص 226 و 227، باب 289 (خروج المهدي)

بزرگان ديگرى مانند «عظيم آبادى» در كتاب «عون المعبود شرح سنن أبى داوود» بر همين عقیده هستند.

همچنين در كتاب «فتح البارى» اثر «ابن حجر عسقلانى» آمده است:

«تواترت الأخبار بأن المهدي من هذه الأمة وأن عيسى يصى خلفه»

فتح البارى شرح صحيح البخارى، اسم المؤلف: أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى،

دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج 6، ص 493، ح 3265

«شوكانى» هم اين قضيه را به تواتر آورده است. «ناصر الدين ألبانى» گل سرسبد علمای اهل سنت در عصر جديد

است و در سال 1420 همان سالى که «بن باز» از دنيا رفت، از دنيا رفته است.

ایشان کلیه روایات صحاح اهل سنت را در یک مجموعه آورده و اسم کتاب را «سلسلة الاحاديث الصحيحة»

گذاشته است. ایشان همچنین روایات ضعیف را هم در یک مجموعه دوازده جلدی به نام «سلسلة الاحايث

الضعيفة» جمع آورى کرده است.

«البانى» در كتاب «سلسلة الاحاديث الصحيحه» جلد 4 صفحه 38 اين بحث را مطرح مى‌کند و بيان مى‌کند که

قضيه مهدويت یک قضيه قطعى است، با سند صحيح آمده، به تواتر رسیده و در تواتر آن شکی نیست.

ایشان هشت صفحه در خصوص صحت روایت، موضوع روایت، تواتر روایت و استفاضه روایت صحبت کرده است. در خصوص شیعه هم باید بگوییم مسئله مهدویت جزو معتقدات ضروری شیعه است.

اگر کسی احادیث متواتر را انکار کند، چه حکمی دارد؟!

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنونم. تا اینجا ما تواتر را در آثار اهل تسنن دیدیم. حضرتعالی در یک جا به انکار تواتر اشاره کردید که در حد کافر بودن است. حال اگر کسی احادیثی که به تواتر رسیده را انکار کند، چه حکمی دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

متأسفانه بعضی از تکفیری‌ها و شیعه نماهای وهابی صفت، مثل «مصطفی طباطبایی» و دیگران، احادیث متواتر را انکار کرده‌اند.

بنده چند سال قبل یک جلسه مناظره سه ساعته با ایشان داشتم. متأسفانه ایشان خود را شیعه معرفی می‌کند، اما در آن جلسه رسماً اعلام کرد که من معتقد به مهدویت نیستم و هیچ دلیلی هم نتوانست بیاورد.

ما در این سه ساعت و نیم ده‌ها روایت از منابع شیعه و سنی آوردیم، اما ایشان فقط یک سری موهومات بیان کرد. ان شاء الله اگر بتوانیم در آینده فیلم این مناظره را از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» پخش خواهیم کرد تا مورد خوشنودی قلب مقدس حضرت ولی عصر قرار بگیرد.

آقای «سفارینی» در کتاب «لوامع الأنوار البهية» جلد دوم به صراحت در این زمینه می‌نویسد:

«مَنْ كَذَّبَ بِالذَّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»

هرکسی دجال را انکار کند کافر است و هرکسی مهدویت را انکار کند کافر است.

لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضية في عقد الفرقة المرضية، المؤلف: شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي (المتوفى: 1188 هـ)، الناشر: مؤسسة الخافقين ومكاتبها - دمشق، الطبعة: الثانية - 1402 هـ - 1982 م، ج 2، ص 84، الخامسة في مؤلّد المهدى وَبَيْعَتِهِ وَمُدَّةِ مُلْكِهِ وَمُتَعَلِّقَاتِ ذَلِكَ

جالب این است «بن باز» مفتی اعظم سابق عربستان سعودی کتابی به نام «فتاوی نور علی الدرب» دارند. در صفحه 355 از او پرسیدند: بعضی افراد منکر آمدن مسیح، دجال و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. حکم این افراد چیست؟

«و مثل هذا الرجل يكون كافرا و العیاذ بالله»

ایشان به صراحت می‌نویسد کسی که آمدن حضرت مسیح را که نازل می‌شود و پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند یا آمدن دجال و حضرت مهدی را انکار کند، کافر است. چرا:

«لأنه أنكر شيئا ثابتا عن رسول الله عليه الصلاة و السلام»

بعد می‌گوید:

«كل هذا ثابت بالأحاديث الصحيحة المتواترة عن رسول الله، فإنكارها كفر و ضلال»

قضیه مهدویت مسئله‌ای است که با احادیث متواتر نقل شده و انکارش جز کفر و ضلالت چیز دیگری نیست.

فتاوی نور علی الدرب، عبد العزیز بن عبد الله بن باز (المتوفى: 1420 هـ)؛ ط مؤسسة الشيخ عبدالعزيز بن باز الخيرية، ج 1 ص 355

وقتی «بن باز» می‌گوید: منکر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کافر است، بنده معتقدم این آقایان دیگر جایی برای صحبت ندارند.

بنده تأسف می‌خورم از افرادی که پای صحبت این افراد می‌نشینند و به عنوان یک شیعه پشت سر این‌ها نماز می‌خوانند.

من شبهه‌ای در ناصبی بودن «مصطفی طباطبایی» ندارم!!

بنده هرگاه آثار بعضی از این شیعه نماها مثل آقای «طباطبایی» را می‌خوانم، واقعاً مغز سوت می‌کشد. چرا باید یک انسان از دودمان شیعه و فرزند نوه یک مرجع بزرگوار اینطور فاسد از آب در بیاید و حقایق را انکار کند!! این شخص نه تنها بحث مهدویت بلکه حتی عصمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را هم انکار می‌کند. او در خصوص بعضی روایات ضعیف می‌گوید: شیطان در ذهن رسول گرامی اسلام تصور و القاء می‌کرده است!!

او همان قضیه غرائیق را مطرح می‌کند که برخی از اهل سنت دارند. حتی ایشان در بعضی از مسائل مربوط به تشیع به مراتب بدتر از وهابیت عقائد شیعه را مورد هجمه قرار داده است.

من بارها گفته‌ام اگر این آقا واقعاً مرد میدان است، از طریق اسکایپ برای مناظره بیاید و یا حضوراً به اینجا بیاید. ما از ایشان پذیرایی می‌کنیم. علی‌رغم اینکه آیت الله سبحانی چندین بار به من فرمودند که صحبت با ایشان فایده‌ای ندارد.

چند ماه قبل از وفات آیت الله العظمی فاضل لنکرانی زمانی که به عیادت ایشان رفته بودیم، آیت الله سبحانی به بنده گفتند: "من شبهه‌ای در ناصبی بودن «مصطفی طباطبایی» ندارم!!"

با تمام این احوالات ما آماده هستیم که ایشا به اینجا بیایند. ما از ایشان پذیرایی می‌کنیم و در خصوص مباحث و کفریاتی که ایشان دارد با او به مناظره بنشینیم تا مردم بفهمند تناقضات و کفریات و مطالبی که این افراد خلاف نص صحیح قرآن دارند، یکی دوتا نیست.

بنده حداقل پنجاه مورد از کفریات ایشان را از کتاب‌هایی که به دست خودش تألیف کرده است یا در خطبه‌های نماز جمعه سخنرانی کرده و در سایت‌هایشان گذاشته‌اند، ثبت کرده‌ام.

بنده کفریات ایشان را ثبت کرده‌ام، نه مطالبی که خلاف شیعه باشد. بنده کفریاتی که ایشان نسبت به قرآن کریم و سنت قطعی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

من تنها از ایشان می‌خواهم که نگویید من یک شیعه هستم بلکه بگویید: من یک وهابی تکفیری و یک انسان ضد شیعه هستم!!

ایشان یکی دو سال قبل با بنده تماس گرفتند. البته قبل از آن هم چندبار زنگ زده بود و من نبودم. او یک روز زنگ زد و گفت: من «مصطفی حسینی» هستم، پسر عموی ناخلف شما!

من معتقدم که این گونه افراد باعث می‌شوند که اذهان جوانان ما مشوش شود. بعضی افراد تصور می‌کنند که او چند آیه و روایتی می‌خواند. در واقع او؛

(لا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ)

به نماز نزدیک نشوید.

را می‌گوید، اما:

(وَ أَنْتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید.

سوره نساء (4): آیه 43

را نمی‌گویید. او؛

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ)

پس وای بر نمازگزارانی که ...

را می‌گویید، اما؛

(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)

نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند.

سوره ماعون (107): آیات 4 و 5

را نمی‌گویید. او به بعضی از آیات استدلال می‌کند و از بعضی دیگر صرف نظر می‌کند. کار این شخص مصداق اتم؛

(أَفَنُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ)

آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی کافر می‌شوید؟!

سوره بقره (2): آیه 85

است. به تعبیر مقام معظم رهبری اگر مسئولین امر کرسی‌های آزاد اندیشی درست کنند، بنده آمادگی دارم در محیط‌های دانشگاهی و حوزوی حضور پیدا کنم و با این افراد صحبت کنیم.

فرض می‌گیریم اصلاً ما گمراه هستیم. شما در یک جلسه عمومی بیایید و ما را هدایت کنید. شما به دنبال این هستید که چندین نفر را تحریک کنید که این طرف و آن طرف بروند و سخنرانی کنند. بیایید ما را هدایت کنید تا ما هم مبلغ شما و افکار شما شویم. چرا از ما فرار می‌کنید؟!

وهابی‌ها که رسماً اعلام کردند ما حاضر نیستیم با آقای قزوینی مناظره کنیم و حتی از عکس آقای قزوینی هم می‌ترسیم. بنده نمی‌دانم ما در عالم زر چه گناهی کردیم که این آقایان می‌گویند از عکس آقای قزوینی می‌ترسیم!! شما که از عکس ما نمی‌ترسید، بیایید با هم بنشینیم و صحبت کنیم و اگر اشکالی در کارمان هست بگویید.

الحمد لله رب العالمین بنده هر عیبی که داشته باشم، اما خدا را شاکر هستم که در قبول حق تسلیم هستم. خدای عالم این روحیه را به من داده است که اگر مسئله‌ای درست و حق باشد، دست‌هایم را بالا می‌برم و تسلیم می‌شوم. این افراد بیایند با هم صحبت کنیم!

مجری:

بسیار خوب، از شما تشکر می‌کنم. باز هم این ایام را خدمت شما بینندگان ارجمند تبریک عرض می‌کنم. این مباحث ناگزیر گاهی اوقات تلخ می‌شود و باید به خدا پناه ببریم.

ان شاء الله لطف اهلبیت (علیهم السلام) شامل حالمان شود و بتوانیم در این صراط مستقیم همچنان گام برداریم. خطر و ضرر چنین انسان‌هایی که منافق گونه وارد می‌شوند، بسیار بیشتر از کسانی است که صراحتاً مطالبی را عنوان می‌کنند.

در خدمت شما هستیم. «و هذا شهر نبیک!» ماه، ماه نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. با صلواتی بر حضرت محمد و آل محمد یک میان برنامه می‌بینیم و در خدمت شما خواهیم بود. «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

«السلام علیک یا ربیع الانام»

به امید بهار حقیقی عالم. در خدمت شما هستیم در روزها و شب‌هایی که ان شاء الله منتظر نیمه شعبان و ولادت با سعادت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستیم.

راجع به شب نیمه شعبان و زنده داری در این شب هم صحبت‌های زیادی هست. امیدوارم فرصتی باشد در برنامه‌های بعدی این مباحث را تقدیم شما کنیم.

تماس بینندگان برنامه:

در خدمت شما هستیم. در این فرصت با برادر ارجمند جناب آقای هاشمی از قم ارتباط تلفنی داریم. ایشان سوالاتی دارند که آنها را مطرح می‌کنند. حضرت استاد سؤالات را می‌شنوند و پاسخ ایشان را خواهند گفت. آقای هاشمی سلام علیکم، خیلی خوش آمدید، بفرمایید:

بیننده (آقای هاشمی از قم - شیعه):

عرض سلام و تبریک دارم خدمت استاد قزوینی بزرگوار، مجری بزرگوار و بینندگان محترم. بنده در رابطه با نصوص متواتر ائمه اثنی عشر سؤالی داشتم.

برای ما این قضیه روشن است، زیرا هم از اهل سنت و هم از شیعیان الی ماشاءالله روایت متواتر در خصوص تعداد ائمه داریم و حتی به اسم هم روایت زیاد داریم.

اما آقای «محمد باقر بهبودی» در کتاب «معرفة الحديث» صفحه 172 عبارتی دارند. بنده می‌خواهم بدانم شما چطور به این تعبیر پاسخ می‌دهید. ایشان گفتند:

«آنک قد عرفت فی بحث الشذوذ النظام الإمام أن الأحادیث المروية فی النصوص علی الائمة جملتا من خبر اللوح و غیره کلها مصنوعة فی عهد الغيبة و الغيرة و قبلها بقليل. فلو كانت هذه النصوص المتوفرة موجودة عند الشيعة الإمامية لما اختلف فی معرفة الائمة الطاهرة هذا الإختلاف الواضح»

بنده می‌خواهم بدانم واقعاً اوضاع ائمه اطهار به قدری آشفته و خراب بود که نمی‌توانستند احادیث را صراحتاً به ما بیان کنند؟!!

این شخص می‌گوید: احادیث امامت و مهدویت همگی بعد از عصر غیبت نوشته شده است. آیا این حرف درست است یا خیر؟!

آیا حدیث مشهور به «حدیث لوح» صحت دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

قبل از اینکه تماس بعدی وصل شود، خدمت حضرتعالی عرض کنم همین حدیث لوح در کتاب «کافی» آمده است. اولاً درست است «کلینی» صاحب کتاب «کافی» متوفای 329 هجری است، اما سند خودش را تا زمان معصوم نقل می‌کند.

اگر قرار باشد ما در حدیث مهدویت بگوییم در قرن سوم و چهارم بوده است، دیگر سنگی روی سنگ بند نمی‌شود.

ما از آقای «بهبودی» سؤالی می‌پرسیم. بنده متأسفانه معتقدم این کار ایشان بزرگترین خیانت به شیعه بوده است. همانطور که کار آقای «آصفی» هم خیانت دیگری بوده است. این افراد یک سری توهمات در ذهنشان بود و این توهمات را به عنوان یک نظریه مطرح کرده‌اند.

بنده از این آقا می‌پرسم که من الآن می‌خواهم نماز صبح بخوانم. من از کجای قرآن کریم بدانم که کیفیت نماز صبح چطور است؟!

شما کتب اربعه را زیر سؤال ببرید. «مرحوم شیخ صدوق» متوفای 381 هجری است و قبل از آن «مرحوم کلینی» متوفای 329 هجری و «شیخ طوسی» 460 هجری است.

بزرگان روایت مهدویت با سند نقل کردند و به «جابر» رسانده‌اند. مخصوصاً «حدیث لوح» که از احادیث قطعی شیعه است.

«مرحوم علامه مجلسی» و پدر بزرگوارشان روایتی در این زمینه دارند. بنده حداقل ده نفر از بزرگان را نام می‌برم که در مورد صحت و قطعی بودن حدیث لوح نوشته‌اند و حدود دوازده سند دارد.

همان راویانی که مطرح می‌کنند نماز صبح دو رکعت است و رکوع و سجده دارد، حدیث لوح را هم مطرح کرده‌اند. همین افراد حدیث ائمه اثنی عشر را هم مطرح کرده‌اند.

مگر می‌شود شما در یک جا شما احادیث را زیر سؤال ببرید و بگویید این در قرن سوم و چهارم بوده است، یعنی «شیخ صدوق» و «کلینی» آن را نقل کرده‌اند. حال دیگر روایات را می‌خواهید چکار کنید؟؟

اصلاً این افراد روی بدیهیات دست گذاشته‌اند و چیزی را بیان کردند که بنده معتقدم یک کودک خردسال به ریش این افراد می‌خندد. اگر حرف‌های این افراد را در تیمارستان برای دیوانه‌ها بخوانند، دیوانه‌ها این افراد را مسخره می‌کنند.

از کجا می‌گویید که در قرن سوم و چهارم بوده است؟! دلیل شما چیست؟! اولاً «مرحوم کلینی» برای کتابی که نوشته است، بیست و دو سال زحمت کشیده است.

او کتاب‌هایی که از عصر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تا عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده است را جمع آورده کرده است.

«مرحوم صاحب وسائل» در خاتمه «وسائل الشیعه» فایده دوازدهم یا چهاردهم می‌گوید: در زمان معصومین شش هزار و ششصد کتاب تألیف شده است. «مرحوم کلینی» این کتاب‌ها را مبوب کرده و به صورت «کافی» در آورده است.

ایشان کتابی که اثر «ابن ابی رافع» یکی از اصحاب امیرالمؤمنین بود، کتابی که اثر «ابوحمزه ثمالی» یکی از اصحاب امام سجاد بود یا کتابی که اثر «صفوان» و «ابوعمیر» و دیگران بود را مبوب کرده و به صورت «کافی» در آورده است.

اگر قرار باشد ما در یک جا روایات این راویان را زیر سؤال ببریم، سنگی روی سنگ بند نخواهد شد.

علاوه بر این ایشان در خصوص چند روایت دائماً می‌گویند: "فلان روایت ضعیف است، ضعیف است، ضعیف است." اگر شما از مبنای شیعه حرف می‌زنید، شیعه بر این عقیده است که سه روایت ضعیف به منزله یک روایت مستفیض است و فقهای ما هم طبق روایت مستفیض عمل کرده‌اند.

به عنوان مثال شما کتاب‌های فقهی آیت الله العظمی خوئی را ببینید. ایشان می‌گویند: ما در این باب سه یا چهار روایت داریم. تک تک این روایات ضعیف است اما می‌نویسد: «یغنینا عن البحث فی السند لکثرة طرقها».

وقتی روایت مستفیض شد، یعنی سه روایت ضعیف همدیگر را تقویت می‌کنند. اهل سنت هم بر این عقیده هستند، همچنانکه در کتب اهل سنت آمده است:

«فإن تعدد الطرق وکثرتها یقوی بعضها بعضاً حتی قد یحصل العلم بها ولو کان الناقلون فجارا فساقا»

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی

النجدی، ج 18، ص 26، (فصل) وأما قسمة الحديث إلى صحيح وحسن وضعیف

این آقایان تصور می‌کنند که اگر سه یا چهار روایت تک به تک ضعیف شدند، همه را باید کنار بگذاریم. بنده خیلی زک بگویم اصلاً این افراد با مبنای شیعه آشنا نبودند، درس نخواندند و بی سواد هستند.

نمی‌توانیم مقدسات شیعه را به خاطر امثال آقای «بهبودی» و آقای «آصفی» یا هر کسی دیگر فدا کنیم. اگر این افراد بخواهند با مقدسات شیعه بازی کنند، ما هم با تمام توان ضلالت و گمراهی و بی سوادی آنها را اعلام می‌کنیم.

بنده هم این افتخار را داشتم که در حوزه علمیه بیست سال رجال تدریس کرده‌ام، به طوری که اگر در حوزه علمیه قم یا نجف دو نفر پیدا کنند که در علم رجال تخصص دارد یکی از آن دو نفر بنده هستم.

این آقا یا کسانی که طرفدار این آقا هستند، بیایند با هم بحث کنیم. ما در این بیست سال به قدری مطالب را تکرار کرده بودیم که در سال‌های آخر دیگر نیاز به کتاب نداشتیم و تمام مطالب را حفظ شده بودم. اگر کسی بیست سال موضوعی را تدریس کند، تقریباً برایش ملکه می‌شود.

بنابراین اولاً این آقایان با مبنای شیعه آشنا نیستند. اگر به عنوان یک سنی یا وهابی می‌خواهد بحث کند، بحثش جداست. اگر می‌خواهد به عنوان شیعه بحث کند، باید بداند که روایات مستفیض حجت است.

کسانی که روایات شیعه را نقل کرده‌اند بیش از سیصد روایت بلکه بیشتر از این تعداد است. در این روایات که تعداد آن هم کم نیست، نام ائمه اطهار (علیهم السلام) آمده است.

چرا با اعتقادات مردم اینطور بازی می‌کنند!! بنده نمی‌دانم این افراد فردای قیامت چه جوابی دارند؟! شب اول قبر چه جوابی دادند و الان در عالم برزخ در چه وضعیتی هستند?!!

بنده از آقای هاشمی بزرگوار تشکر می‌کنم که به این قضیه اشاره کردید. این مسئله بسیار مهم است و ما باید روی آن بیشتر دقت کنیم.

در رابطه با حدیث لوح ملاحظه بفرمایید «مرحوم محمد تقی مجلسی (رضوان الله تعالی علیه)» در رابطه با حدیث لوح می‌گوید:

«فبالطرق المستفیضة عن محمد بن يعقوب و الصدوق و غیرهما، عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه

السلام قال: قال أبي عليه السلام لجابر بن عبد الله الأنصاري: إن لي إليك حاجة»

روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسى، محمدتقى بن مقصودعلى، محقق /
مصحح: موسوى کرمانى، حسین و اشتهاردى على پناه، ج 11، ص 6، بَابُ الْوَصِيَّةِ مِنْ لَدُنْ آدَمَ ع

«مرحوم شيخ صدوق (رضوان الله تعالى عليه)» در كتاب «الإمامة و التبصرة» صفحه 12 در رابطه با «حديث صحيفه مختومه» مى‌گويد: اين روايت صدرصد صحيح است. «مرحوم شيخ كراچكى (رضوان الله تعالى عليه)» يکى از بزرگان و فقهاى شيعه متوفى 449 هجرى مى‌گويد:

«خبر اللوح المشتهر المعروف الذى قد اجتمعت الشيعة الإمامية ولم تختلف فيه»

الإستنصار، نویسنده: أبى الفتح الكراچكى، ناشر: دار الأضواء - بيروت - لبنان، ص 18، فصل ومن ذلك
خبر اللوح

«مرحوم يوسف بن حاتم عاملى» متوفى 666 هجرى در كتاب «الدرّ النظيم» مى‌گويد:

«و أمّا روايات الخاصّة و هم الإمامية فالمجمع عليه خبر اللوح»

الدر النظيم فى مناقب الأئمة اللهايميم، نویسنده: شامى، يوسف بن حاتم، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامى
التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص 791، فصل فى ذكر الأئمة الاثنى عشر و ما جاء فى ذلك عن
النبي صلى الله عليه و آله

به گفته ایشان خبر لوح مجمع عليه است. «علامه حلى» در كتاب «المستجد» همين تعبير را در رابطه با «حديث لوح» آورده است:

«ومنها نص رسول الله صلى الله عليه وآله بالإمامة عليه فيما روى من حديث اللوح الذى رواه جابر بن
عبد الله الأنصارى عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم»

المستجد من الإرشاد، نویسنده: العلامة الحلی، ص 164، ناشر: مكتب آية الله العظمى المرعشي النجفي

– قم، باب فی ذکر الامام بعد أمير المؤمنين عليه السلام

دهها عالم و فقیه و حدیث شناس شیعه حدیث لوح را جزو احادیث مجمع علیه آورده‌اند. علاوه بر این، سند حدیث هم صحیح است. وقتی سند صحیح بود، شما می‌خواهید چکار کنید؟!

گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که سند ضعیف است و شما می‌خواهید آن را زیر سؤال ببرید و بحث آن جداست. در مقابل وقتی سند حدیث لوح صحیح باشد، به هیچ وجه نمی‌توانید اشکال وارد کنید که حدیث لوح یا روایات ائمه اثنی عشر اشکال دارد.

ما از آقای هاشمی تشکر می‌کنیم که باعث شدند این بحث را در ایام ولادت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطرح کنیم.

مجری:

بنده هم از آقای هاشمی تشکر می‌کنم، ان شاء الله که موفق و مؤید باشند. آقا محمد از شهرکرد تماس بعدی برنامه ما هستند. آقا محمد سلام علیکم، شب شما بخیر، بفرمایید؛

بیننده (آقا محمد از شهرکرد – شیعه):

سلام محضر شما و حضرت استاد قزوینی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

خیلی خوش آمدید. آقا محمد شما چند سالتان هست؟

بیننده:

هفده سال دارم.

مجری:

بسیار خوب، در سنی هستید که ذهن پویا و پرتکاپویی خواهد داشت. بفرمایید:

بیننده:

بنده میلاد حضرت قائم آل محمد (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) را تبریک عرض می‌کنم. من دوتا سؤال داشتم و یک مسئله را می‌خواستم مطرح کنم.

مجری:

ما کلاً پنج دقیقه زمان داریم و فکر می‌کنم باید با همین دو سؤال شما برنامه را جمع کنیم. بفرمایید:

آیا قاعده «من ادعی الرؤیة فکذبوه» درست است؟!

بیننده:

اولاً روایتی در کتاب «کمال الدین» اثر «مرحوم شیخ صدوق» صفحه 516 و کتاب «الغیبه» اثر «شیخ طوسی» صفحه 395 و کتب دیگر نقل شده است.

در این روایت آمده است که حضرت ولی عصر فرمودند: کسانی به سوی شیعیان من می‌آیند که ادعای مشاهده مرا دارند. بدانید که هرکس پیش از خروج صفیانی و بانگ آسمانی ادعای مشاهده مرا کند، دروغگو و افترا زننده است.

همچنین در کتاب «مکیال المکارم» هم جلد دو صفحه 330 آمده است که این روایت صحیح است. در مقابل ما در روایات داریم «شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه)» در ماجرای اصلاح فتوا امام زمان را ملاقات کرده است. همچنین گفته می‌شود علمایی هستند که حضرت ولی عصر را مشاهده می‌کنند و با آن بزرگوار ملاقات دارند.

با این حساب این دو روایت با همدیگر در تعارض قرار می‌گیرد. لطفاً در این خصوص پاسخی بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اجازه بدهید قبل از اینکه سؤال دوم خود را مطرح کنید، پاسخی در این زمینه بیان کنم. هم در زمان غیبت صغری و هم در زمان غیبت کبری ائمه اطهار می‌دانستند که عده‌ای از این کانال دکانی باز خواهند کرد.

این افراد به این بهانه که "ما حضرت را دیدیم" مطالبی برای مردم مطرح می‌کنند و باعث گمراهی مردم می‌شوند. همان طور که در زمان غیبت صغری امثال «شلمغانی» و دیگران ادعای بابیت کردند. این به عنوان یک اصل کلی است.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی در این زمینه فرمایشی داشتند که بنده خیلی خوشم آمد. ما یک قاعده کلی داریم. شارع می‌گوید:

«كل ماء طاهر حتى تعلم أنه قدر»

همه چیز برای پاک است، مگر اینکه یقین کنی آن چیز نجس است.

ذخیره المعاد، نویسنده: المحقق السبزواری، ج 1، ص 117، باب احداث قول ثالث

«كلّ شيء يكون منه حرام وحلال فهو حلال لك أبداً حتى تعرف أنّه حرام بعينه فتدعه»

هرچیز حلال و حرامی برای تو حلال است، مگر اینکه دلیل داشته باشی که حرام است.

تذكرة الفقهاء، نویسنده: العلامة الحلّی، ج 12، ص 191، مسألة 699

قضیه «من ادعی الرؤیة فکذبوا» قاعده کلی است. قانون کلی این است که هرکسی آمد و ادعا کرد ما بر کذبش حکم کنیم، مگر اینکه دلیل قطعی داشته باشیم که این شخص راست می‌گوید.

همه چیز حلال است، مگر اینکه دلیلی بر حلیت آن داشته باشیم. همه چیز پاک است، مگر اینکه دلیلی داشته باشیم که نجس است. هرکسی ادعا کرد حضرت ولی عصر را دیده است کذاب است، مگر اینکه ما دلیل قطعی داشته باشیم که او راست می‌گوید.

این یک قانون کلی است برای اینکه دکان یکسری افراد سودجو را ببندند تا هرکسی نتواند ادعای بابیت و رؤیت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را داشته باشد.

یک روز شخصی اینجا آمد و گفت: من حضرت معصومه (سلام الله علیها) را در خواب دیدم و گفت به آقای قزوینی سلام برسانید و از وجودشان در شبکه استفاده کنید.

بنده گفتم: اگر بار دیگر حضرت معصومه را در خواب دیدید، به حضرت بگویید به خواب من هم بیایند و به من دستور بدهند تا از وجود شما هم در شبکه استفاده کنیم. این بنده خدا سرش را پایین انداخت و از اتاق بیرون رفت.

بعضی افراد اینطور برای خودشان دکان باز می‌کنند. اگر حضرت معصومه به خواب شما آمده است، به خواب من هم بیاید و به بنده امر کند تا در خدمت شما باشم.

نقل شده است «مرحوم سید بن طاووس (رضوان الله تعالی علیه)» در یک مجلس نشسته بود و شخصی کنار دست او بود. شخصی از ایشان پرسید: آیا قاعده «من ادعی الرؤیة فکذبوه» درست است یا خیر؟!

ایشان فرمود: بله، درست است. راوی می‌گوید من کنار دست ایشان نشسته بودم. «سید بن طاووس» به من فرمودند: من به قدری خدمت حضرت رسیده‌ام که با تُن صدای حضرت هم آشنا هستم.

امثال «سید بن طاووس»، «مقدس اردبیلی»، «سید بحر العلوم» و دیگر بزرگان در تقوا در رتبه بسیار بالایی هستند که به گفته «سید بحر العلوم» نه تنها مکروه بلکه حتی مباح هم از آنها سر نمی‌زند.

وقتی ایشان قضیه‌ای را ادعا می‌کند، ما هم از آن قاعده کلی قطع به یقین پیدا می‌کنیم. قاعده کلی می‌گوید: همه چیز برایت حلال است، مگر اینکه یقین کنیم فلان چیز حرام است.

مجری:

حاج آقا قزوینی بنده هم از شما و هم از آقا محمد اجازه بگیرم که جلسه را خاتمه دهیم. ما یکشنبه شب، شب نیمه شعبان هم برنامه داریم.

آقا محمد به دلیل اینکه وقت برنامه تمام شده است، سؤال دوم شما و مسئله‌ای که می‌خواستید مطرح کنید طلب شما باشد و آن را در شب‌های آینده مطرح کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شب‌های آینده کمی زودتر روی خط تشریف بیاورید تا به سؤالاتتان پردازیم.

مجری:

دقایق پایینی برنامه است و می‌خواهیم مباحث را جمع بندی کنیم و به پایان برسانیم. دقایق پایانی برنامه در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آنچه در این جلسه پیرامون آن بحث داشتیم، این بود که موضوع مهدویت یک موضوع فرامذهبی است و شیعه و سنی و وهابیت ادعای قطعی بودن احادیث مهدویت و تواتر احادیث مهدویت را دارند و منکرین مهدویت را هم آقایان کافر می‌دانند.

آنچه برای ما مهم است و ان شاءالله یکشنبه شب هم به آن خواهیم پرداخت، بحث مهدویت شخصی هست که درباره آن صحبت خواهیم کرد.

باید معلوم شود مهدویت که آقایان ادعا می‌کنند قطعی و متواتر است، آیا فقط تصور ذهنی ماست یا وجود خارجی و مصداق روشنی هم دارد!!

مجری:

بسیار خوب، ان شاءالله. حضرت استاد ممنون از حضور خوبتان و ممنون از شما بینندگان ارجمند که این برنامه را دیدید. ان شاءالله در دنیا و آخرت زیر سایه حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) باشید. شب جمعه است؛ یک رباعی تقدیم کنم و برنامه را با دعای استاد به پایان برسانیم.

یک روز به هیئت سحر می‌آید

با سوز دل و دیده‌تر می‌آید

یک روز به انتقام هفتاد و دو شمس

با سیصد و سیزده قمر می‌آید

ان شاءالله ما هم باشیم تا چشم و دلمان به جمال و حضور حضرت روشن گردد. حاج آقا قزوینی دعا بفرمایید.

آیت الله دکنر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به آبروی حضرت زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده. خدایا ما را مشمول دعاها و عنایت ویژه حضرت بقیة الله الأعظم قرار بده.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار و شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا به آبروی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گرفتاری را از جامعه اسلامی و جامعه انسانی برطرف بفرما.

خدایا حوائج ما، حوائج بینندگان عزیز ما، حوائج ملتمسین دعا به آبروی حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) برآورده نما. خدایا دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

کوتاه‌ترین دعا و بلندترین آرزو این است: «اللهم عجل لولیک الفرج». التماس دعا، خدانگهدار.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته